
بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه)

دکتر یحیی علی بابایی* ، بهمن باینگانی**

چکیده

در این مقاله با توجه به اهمیت سرمایه در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و مخصوصاً در تعیین موقعیت اجتماعی فرد، نقش این مفهوم در تبیین رضایت از زندگی بررسی شده است. از این رو در بخش نظری، از نظریه پیر بوردیو استفاده شده و در بخش تجربی نیز ۴۱۰ نفر از جوانان مناطق شهری شهرستان پاوه مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج بخش توصیف این تحقیق نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی جوانان شهرستان پاوه در حد زیاد و میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و میزان رضایت آنها از زندگی در حد متوسط است. نتایج بخش تحلیلی هم نشان داد که مجموع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنها ۰/۱۱ رضایت از زندگی فرد را تبیین می‌کنند. علاوه بر این سرمایه فرهنگی نسبت به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت بیشتری در تبیین رضایت از زندگی جوانان دارد.

کلید واژه‌ها

سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، رضایت از زندگی، جوانان

* استادیار دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، گروه علوم اجتماعی، سنندج، ایران.

مقدمه

تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی شرایط زندگی فرد دارد. هر فرد از طریق تحلیل شرایط پیرامون خود، می‌تواند اوضاع فردی خویش را دریافته و به ارزیابی آن بپردازد. عواطف مثبت در مورد شرایط خود اگرچه عنصری ذهنی است، ریشه در شرایط عینی دارد. این حقیقت را نمی‌توان نادیده انگاشت که مولفه‌های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد تحلیل و ارزیابی ذهنی او از شرایط خود و جامعه در مقایسه با دیگران است. چنانچه ارزیابی فرد از اوضاع شخصی یا زندگی خود به نتایج منفی بینجامد، این احساس منفی در همان بخش محدود نمانده و بسیاری از رفتارها و گرایش‌ها فرد به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و متحول می‌کند.

از سوی دیگر چنانچه رضایت، آرامش، احساس سعادت یا برعکس، نارضایتی و احساس ناخوشنودی در جامعه تسری یابد و عده زیادی از اعضا را در بر بگیرد، نمی‌توان آن را به شرایط فردی نسبت داد، بلکه باید اوضاع اجتماعی را در آن دخیل دانست و براین اساس جامعه را تحلیل کرد. از آنجا که بروز عواطف مثبت و منفی در اعضای جامعه می‌تواند بسیاری از کنش‌های اجتماعی و انگیزه افراد را متأثر سازد، هیچ جامعه یا حکومتی نمی‌تواند خود را از بررسی شرایط روانی اعضا بی‌نیاز بداند (معیدفر و ذهنی، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

جامعه ایران در طول چند دهه اخیر با پدیده‌ای به نام جوانی جمعیت مواجه شده است. این پدیده به دلیل حساسیت جایگاه و نقش نسل جوان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به ویژه در زمینه‌هایی چون اشتغال، ازدواج، هویت یابی، آموزش و مشارکت اهمیت فراوان دارد. در حال حاضر حدود ۳۵ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند (هرندی و محسنی خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) و آمار بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که ایران پس از کشور اردن بالاترین رقم جوانی جمعیت را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است (غفاری و قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). جوانان در هر جامعه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. جوانی مرحله انتقال از علایق و آسیب‌پذیریهای دوران کودکی به شناختن حقوق و وظایف بزرگسالی است. جوانی مرحله وظایف، مسئولیت‌ها و مشکلات جدید است. معمولاً دوره‌ای موقتی شناخته می‌شود که طی آن جامعه فرد را یک کودک به شمار نمی‌آورد، اما موقعیت کامل قانونی و وظایف بزرگسالان را نیز به او اعطا نمی‌کند. جوانان به هنگام بلوغ معمولاً موقعیت کامل بزرگسالان و حقوقی چون خانواده، کار و حقوق سیاسی را ندارند. قبل از آنکه جوان فرصت داشته باشد از این مرحله انتقالی که جوانی نامیده می‌شود عبور کند، غالباً با مشکلات گوناگون در زمینه بهداشت، موضوعات اجتماعی، آموزشی و پیشرفت روبروست (گزارش ملی جوانان، تلفیق، ۱۳۷۵-۱۳۸۱: ۱-۱۲).

جوانان در جامعه امروز همزمان یک گروه جمعیتی، یک مقوله اجتماعی و یک سازه فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شوند و به همین سان، زمینه‌های تأثیرگذار بر نگرش و رفتار آنها و نیز تأثیرات آن بر تحولات اجتماعی نیز پیچیده‌تر خواهد شد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲). در واقع شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه در حال گذار ایران تجربه می‌کند و تحولات ساختاری و نهادی ملازم با آن، ابعاد پیچیده‌تر و مهم‌تری به مسئله جوانان بخشیده است، به گونه‌ای که به جرأت می‌توان گفت ماهیت مسائل و شرایطی که جوانان خود را در آن می‌یابند و رشد می‌کنند نسبت به آنچه نسل‌های گذشته تجربه کرده‌اند دستخوش تفاوت‌های محتوایی و ذاتی شده است. تحول در دوره جوانی و پس از آن، فردی شدن فزاینده و اهمیت یافتن استقلال طلبی به عنوان یک رفتار و یک ایدئولوژی، تحولات در آموزش و فرصت‌های آموزشی و به تبع آن ارزش‌های تحصیلی و شغلی، وضعیت جدید تعامل نسل‌ها و مطرح شدن مضامین و دغدغه‌های جدید در این زمینه، تحول در گذار به بزرگسالی، تغییر دنیای جوانان به دلیل رشد و اشاعه فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی اهمیت یافتن مصرف در منظومه‌های ارزشی و هویتی جوانان، کنارگذاری‌های مداوم اجتماعی و محدودیت‌های شهروندی، تغییر در اشکال مشارکت و شکل‌گیری الگوهای جدیدی که جوانان براساس آنها هویت خویش را می‌سازند و ابراز می‌کنند، از جمله تحولاتی به شمار می‌آیند که ضرورت توجه به جایگاه جوانان و جوانی در جامعه ایران را مهم می‌سازد. آنچه بر این پیچیدگی می‌افزاید تعارض‌ها و تضادهایی است که بسیاری از جوانان برسر انتخاب‌ها، اهداف و آینده‌نگری خویش با آن مواجه‌اند. روشن است که این ابهام‌ها و عدم قطعیت‌ها به همان اندازه که به فرصت‌ها و انتخاب‌های افزایش یافته و به عاملیت جوانان مربوط می‌شود، به محدودیت‌ها و شرایط ساختاری که در آن زیست می‌کنند نیز پیوند خورده است (همان، ۱۰-۹).

مالکیت سرمایه در زندگی مدرن اهمیت ویژه‌ای دارد. به اعتقاد بوردیو (۱۹۸۴)، ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای همانند فضای اجتماعی^{۱۱} پیچیده‌ای است که در آن اشکال متنوع سرمایه تمایز موقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای افقی و سلسله‌مراتبی تعیین می‌کنند. اگرچه هر نوع دارایی، مالکیت یا کالایی که در جامعه ارزشمند شمرده می‌شود، می‌تواند نوعی سرمایه باشد، بوردیو در مقاله‌ای تحت عنوان *اشکال سرمایه* (۱۹۸۱)، از سه نوع سرمایه اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام می‌برد و برای آنها بیشتر از سایر سرمایه‌ها ارزش قائل می‌شود.

در شرایطی که مالکیت اشکال متنوع سرمایه نقش مهمی در تعیین موقعیت اجتماعی فردیفا می‌کند و جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی وابسته به میزان سرمایه‌هایی است که در تملک دارند، بررسی میزان مالکیت هر یک از این سرمایه‌ها، رابطه بین آنها و تعیین اهمیت هریک از آنها در عرصه‌های مختلف حیات بشری می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

طرح مسئله

سلامت یک جامعه با کمیت و کیفیت سرمایه‌اش رابطه مستقیم دارد. جامعه‌ای که سرمایه بیشتری در اختیار دارد، دارای فراورده‌های بیشتر، قدرت رقابت جویی بالاتر و درآمدهای بالاتر است (استونز^۱، ۱۹۹۸: ۲۲۱؛ به نقل از اکبری، ۱۳۸۳: ۸). مفهوم سرمایه یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر به شمار می‌آید. این مفهوم را می‌توان در آثار مارکس ردیابی کرد. در نظر مارکس موقعیت اجتماعی فرد را بیش از همه میزان سرمایه‌ای که در اختیار دارد تعیین می‌کند (لین، ۱۹۹۹: ۱). سرمایه مورد نظر مارکس، سرمایه اقتصادی است. در تفکر اقتصادی، مفهوم سرمایه در ابتدا به معنای انباشت مقدار پولی است که به امید بازدهی سودآوری در آینده سرمایه‌گذاری می‌شود (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۹). اما از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمد و سرمایه‌های جدیدی مطرح شد. این مفاهیم (یا سرمایه‌های جدید) گسترش فراوانی یافته و به بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی وارد شده است (استوربرگ، ۲۰۰۲: ۴۰۹). این مسئله مخصوصاً در دهه‌های اخیر با گسترش استیلا و سیطره بازار به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی تشدید شده است. در حقیقت مناسبات بازار بیانگر چشم‌اندازی اختصاصاً مدرن از کنش و مناسبات اجتماعی است. این تفکر که نظم اجتماعی مدرن زیر سیطره مناسبات بازار یا حتی براساس آن تعریف می‌شود، مشغله اصلی اندیشه اجتماعی مدرن بوده است. به عبارت دیگر استیلا و سیطره همه جانبه مبادلات بازار، تصویر دقیقی از زندگی اجتماعی معاصر به دست می‌دهد (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۱).

در شرایطی که از سویی مناسبات بازار به همه عرصه‌های زندگی نفوذ یافته است و از سوی دیگر مفهوم سرمایه تنها بر سرمایه اقتصادی دلالت ندارد، جایگاه و موقعیت فرد در جامعه دیگر تنها براساس سرمایه اقتصادی تعیین نمی‌شود. در اینجاست که نظرات بوردیو قابل طرح است. وی معتقد است که اگر درصد فهم جهان اجتماعی هستیم، باید ایده سرمایه، انباشت و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱). وی در مقاله خود تحت *انواع اشکال سرمایه*، معتقد است که جایگاه فرد در جهان اجتماعی بیش از همه براساس سرمایه‌هایی که در اختیار دارد تعیین می‌شود. بنابراین به نظر او سرمایه بسته به عرصه‌ای که در آن عمل می‌کند و به بهای تغییر شکل‌های کم و بیش گران‌تری که پیش شرط کارایی آن در عرصه‌های مورد بحث است به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: ۱) سرمایه اقتصادی، که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآمد (۲) سرمایه فرهنگی که، بعضی شروط تبدیل شده به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآمد و (۳) سرمایه اجتماعی که ساخته

شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و در برخی از شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآمد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۱). ابتکار بورديو این است که در کنار سرمایه اقتصادی از سرمایه‌های دیگری نیز سخن به میان آورده است. در واقع وی جهان اجتماعی را پیچیده‌تر از آن می‌داند که بتوان به گونه‌ی تقلیل‌گرایانه درباره آن بحث کرد.

بنابراین در جهان معاصر که مفهوم بازار به همه عرصه‌های زندگی نفوذ کرده است و هسته اصلی بازار را نیز سرمایه تشکیل می‌دهد (استوربرگ، ۲۰۰۲: ۴۷) و از سوی دیگر در مفهوم سرمایه نیز تغییری انقلابی به وجود آمده است، انتظار می‌رود که مناسبات بازار بیش از پیش به عرصه رضایت از زندگی نیز وارد شود و سرمایه در تعیین رضایت از زندگی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. بر این اساس، هدف ما در این مقاله در وهله اول یافتن پاسخ این سؤال است که آیا می‌توان این سخن بورديو را که می‌گوید: «میزان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موقعیت فرد را در جهان معاصر تعیین می‌کنند» تعمیم دهیم و بگوییم مجموع این سه سرمایه کل رضایت فرد از زندگی را تبیین می‌کنند؟ و علاوه بر این، از آنجایی که مقاله حاضر جنبه اکتشافی نیز دارد، قصد داریم میزان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میزان رضایت از زندگی را در میان جوانان توصیف کنیم و به بررسی این مسئله بپردازیم که هر یک از این سرمایه‌ها تا چه اندازه رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

چارچوب نظری

هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی نیست، بلکه بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی است؛ در عین حال کارایی یکی از نظریه‌های مطرح در جامعه‌شناسی معاصر نیز برای تبیین رضایت از زندگی مورد آزمون قرار می‌گیرد، مفهومی که بیش از همه روان‌شناسان درباره آن بحث کرده‌اند. نظریه مورد استفاده در این مقاله، نظریه پیربورديو درباره اشکال سرمایه است. پیربورديو، از متفکران برجسته جامعه‌شناسی در فرانسه است. برخی از متفکران او را مارکسیست می‌دانند، برخی دیگر او را یک جامعه‌شناس پیروماکس وبر و گروهی دیگر او را پیرو دورکیم می‌دانند. واقعیت آن است که او برای تدوین نظریه اش از آثار بسیاری از متفکران پیشین استفاده کرده است (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱). در زمینه سرمایه می‌توان گفت وی به دنبال تکمیل نظرات مارکس است و قصد دارد در نظرات مارکس جرح و تعدیل‌هایی به عمل آورد و آن را با تغییرات روی داده در جهان معاصر هماهنگ سازد. بنابراین بر خلاف مارکس که معتقد است موقعیت اجتماعی فرد تنها بر پایه سرمایه اقتصادی ساخته می‌شود، بورديو همانند وبر معتقد است که برای درک سلسله مراتب اجتماعی تنها توجه به وضعیت اقتصادی افراد و گروهها کافی نیست و باید علاوه بر آن به وضعیت

اجتماعی و فرهنگی آنها نیز توجه کرد (وینتر، ۲۰۰۲: ۲). به عبارت دیگر، طبق نظر بورديو ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای تنها متشکل از سلسله مراتبی نیست که با تکیه بر درآمد و مالکیت سرمایه تعیین می‌شود. بلکه، ساختار اجتماعی نوعی "فضای اجتماعی" پیچیده است که در آن اشکال متنوع سرمایه، تمایز موقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای افقی و سلسله مراتبی تعیین می‌کند (بورديو، ۱۳۸۴). بنابراین مفهوم "سرمایه" در نظر بورديو از مفهوم پولی سرمایه در اقتصاد بسیار گسترده‌تر است؛ سرمایه "منابع" عمومیت یافته‌ای است که می‌تواند به شکل پولی یا غیرپولی و نیز ملموس یا غیرملموس وجود داشته باشد (آن‌هایر و دیگران، ۱۹۹۵: ۸۶۲).

همان‌طور که گفته شد، بورديو به اشکال غیرملموس یا جدید سرمایه نیز توجه دارد و معتقد است که جایگاه و موقعیت فرد را ترکیب و حجم سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌سازند. فردی که از هر سه سرمایه میزان بیشتری دارد، در سلسله مراتب اجتماعی دارای جایگاه بالاتری است و فردی که از هر سه سرمایه میزان کمتری دارد در سلسله مراتب اجتماعی در جایگاه پایین‌تری قرار می‌گیرد (بورديو، ۱۳۸۴). اما نکته‌ای که از نظر بورديو اهمیت بسیاری دارد این است که همه افراد جامعه سرمایه‌های یکسانی ندارند و در واقع سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضای اجتماعی به گونه‌ای نابرابر اما غیر تصادفی توزیع شده است (وانگ و دیگران، ۲۰۰۶: ۳۱۵). همچنین باید گفت که بورديو از میان سرمایه‌های مذکور برای سرمایه فرهنگی اهمیت بیشتری قائل است و البته واضح مفهوم سرمایه فرهنگی نیز خود بورديو است (بورديو و پسون، ۱۹۷۹: ۱۴).

علاوه بر این، بورديو بر قابلیت تبدیل این سرمایه‌ها به هم تأکید می‌ورزد، به عبارت دیگر، وی معتقد است که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. برای مثال سرمایه اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همین ترتیب، تحصیلات این قابلیت را دارد که به سرمایه اقتصادی و گاهی نیز به سرمایه اجتماعی تبدیل شود. بدین صورت که تحصیلات و کسب مدارک عالی مشاغل پردرآمدی در اختیار فرد قرار می‌دهد و فرد با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادها هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در راه تبدیل انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد. کسانی که سرمایه اقتصادی دارند و تازه آن را به دست آورده‌اند، ممکن است هر قدر کوشش کنند نتوانند سرمایه فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه خوب، یا سخن گفتن به طریقی خاص یا دانستن چند زبان خارجی است، بیاموزند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

بوردیو در مورد رابطه بین سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رضایت از زندگی چیزی نگفته است و در هیچ یک از آثار وی نمی‌توان مطلبی در این باره پیدا کرد. اما می‌توان تلویحاً از نظرات وی چنین نتیجه‌ای برداشت کرد. در واقع هدف اصلی ما نیز در این مقاله صورت‌بندی این گزاره تلویحی موجود در آثار بوردیو است که: داشتن هر سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به معنای داشتن رضایت از زندگی است.

ارتباط نظری و تجربی بین اشکال سرمایه و رضایت از زندگی

واقعیت آن است که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در افزایش رضایت افراد از زندگی بازی می‌کند. سابقه مطالعات مربوط به رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی به یک قرن قبل باز می‌گردد و در کار دورکیم درباره خودکشی، می‌توان آن را مشاهده کرد (هالپرن^۱، ۲۰۰۵). تحقیقات بسیار نیز نشان داده‌اند که روابط اجتماعی بالا (به عنوان یکی از معرف‌های سرمایه اجتماعی) همبستگی بالایی با سطوح بالای رضایت از زندگی دارد. برای مثال فردی که می‌تواند نام پنج نفر یا بیشتر را به عنوان دوستش ذکر کند، راضی‌تر از کسی است که دوستان چندانی ندارد (سوزا و لایومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۲). وایتفورد نیز معتقد است امروزه شواهد تحقیقی فراوان نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی - اجتماعی تعیین‌کننده رضایت از زندگی هستند، به گونه‌ای که هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی‌تر باشند، رضایت کمتری از زندگی دارند و برعکس هر چه انسجام اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، افراد جامعه از رضایت بیشتری بهره‌مند خواهند بود (وایتفورد^۲، ۲۰۰۰). تحقیقات تجربی در ایران نیز نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. برای مثال، اوتق (۱۳۸۴) در پایان نامه خود به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سه محله شهر گنبدکاووس به نام‌های بلوار دانشجو، شریعتی و بدلجه پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داده است که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، علاوه بر این سرمایه اجتماعی بر مبنای چهار سنج امنیت محلی، بدهستان، تصور درباره محله و عضویت انجمنی ۳۶ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین کرده است. ماجدی و لهسایی زاده (۱۳۸۵) نیز در تحقیقی به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در روستاهای فارس پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان داده است که سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد و سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل و ... پیش‌بینی کننده بهتری برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار می‌رود.

¹ Halpern

² Whitford

در تحقیقات قبلی رابطه بین سرمایه اقتصادی و رضایت از زندگی بررسی نشده، اما رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی با رضایت از زندگی بررسی شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی درآمد است. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که رابطه میان درآمد و رضایت از زندگی رابطه پیچیده‌ای است. ظاهراً در درون کشورها، افراد ثروتمندتر بیش از افراد فقیر از زندگی خود رضایت دارند. در بین کشورها نیز وضع به همین منوال است، اما تفاوت بین کشورها کمتر از درون کشورهاست. به رغم ارتباط معنادار بین رضایت از زندگی و درآمد، تحقیقات طولی نشان داده‌اند که افزایش درآمد افراد الزاماً به افزایش رضایت از زندگی نمی‌انجامد. برای مثال، میزان رضایت از زندگی آمریکاییها قبل و بعد از جنگ جهانی دوم افزایش نیافت، به رغم اینکه در طول این دوره درآمد افراد رشد قابل توجهی کرد (سوزا و لایومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۳). علاوه بر این، هرچه کشوری فقیرتر باشد همبستگی قوی‌تری بین درآمد و میزان رضایت از زندگی در آن مشاهده می‌شود (برزگر مروستی، ۱۳۸۶: ۳۶). در ایران نیز وجود رابطه بین درآمد و رضایت از زندگی تأیید شده است، به طوری که محسنی و صالحی (۱۳۸۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که: "افراد دارای سطح درآمد بالا بیشترین رضایت از زندگی را دارند، و افراد دارای سطح درآمد پایین، با وجود اینکه اکثریت سنجی افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، در شاخص رضایت از زندگی در کمترین جای داشته‌اند."

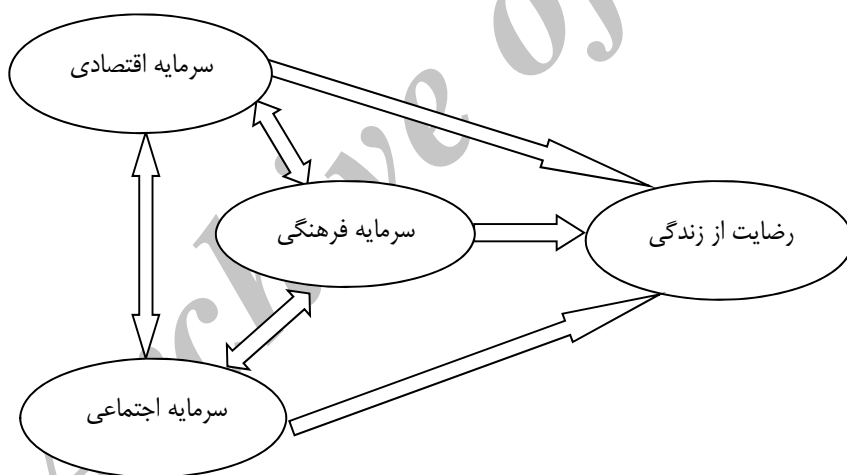
علاوه بر این، بررسی متون پیشین نشان می‌دهد که تاکنون، در تحقیق مشخصی رابطه بین سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی بررسی نشده است، اما رابطه تحصیلات به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با رضایت از زندگی در تحقیقات بسیاری بررسی شده است. به اعتقاد اینگلهارت افراد تحصیل کرده‌تر از زندگی شان راضی‌تر هستند، اما این تفاوت اندک است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵۹). سوزا و لایومیرسکی معتقدند که در مجموع محققان بر این عقیده‌اند که بین رضایت از زندگی و تحصیلات رابطه‌اندکی وجود دارد و حتی هنگامی که متغیرهای شغل و درآمد کنترل می‌شود، این رابطه ناپدید می‌گردد. علاوه بر این، رابطه بین تحصیلات و رضایت از زندگی در افراد و کشورهای فقیرتر بیشتر است. اما تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که در جوامع مرفه، افراد دارای تحصیلات عالی تا اندازه‌ای از زندگی شان ناراضی‌اند (سوزا و لایومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۵). تحقیقات در ایران نیز نشان داده است که هرچه سواد و تحصیلات پایین‌تر است، میزان رضایت کمتر است. با افزایش تحصیلات میزان رضایت نیز افزایش می‌یابد، به طوری که با وجود محدود بودن دامنه تغییرات، بیسوادان کمترین و صاحبان تحصیلات دانشگاهی بیشترین رضایت را نشان داده‌اند (محسنی و صالحی، ۱۳۸۲: ۶۳).

در نهایت تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که بین رضایت از زندگی و موقعیت اجتماعی فرد رابطه معناداری وجود دارد و اساساً افراد دارای موقعیت‌های اجتماعی بالا بیشتر از زندگی لذت می‌برند (ون‌هون، ۲۰۰۱؛ به نقل از برزگر مروستی، ۱۳۸۷: ۳۳).

مدل نظری تحقیق و فرضیات

برای ارزیابی تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر رضایت از زندگی، مدلی زیر در نظر گرفته شد شکل ۱، علاوه بر این، براساس مطالبی که قبلاً ذکر شد و نیز با توجه به مدل تحقیق زیر، فرضیات مطرح شده در این مقاله عبارت‌اند از:

- فرضیه اول: بین سرمایه اقتصادی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.
- فرضیه چهارم: از میان سرمایه‌های مذکور سرمایه فرهنگی رابطه بیشتری با رضایت از زندگی دارد.
- فرضیه پنجم: بین سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد.
- فرضیه هفتم: بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی برای بررسی موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. روش پیمایشی یکی متداول‌ترین روشهای تحقیق در جامعه‌شناسی است. دلیل انتخاب این روش وسعت جامعه مورد مطالعه و تعداد متغیرهایی است که باید سنجیده شوند. علاوه بر این، روش پیمایشی به لحاظ صرفه‌جویی، سرعت عمل در جمع‌آوری داده‌ها، و نیز قابلیت آن در شناسایی ویژگی‌های

جمعیت براساس نمونه‌ای از اعضای آن، مناسب‌ترین روش در این زمینه به شمار می‌رود. در این تحقیق از پیمایش مقطعی استفاده شده است. پس از مشخص شدن افراد نمونه، پرسشنامه‌ای که از قبل برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه تهیه شده بود، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت.

جامعه آماری

منظور از جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از میان آن نمونه نمایا یا معرف انتخاب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱۵۸). جامعه آماری ما نیز جوانان شهرستان پاوه هستند. به عبارت دیگر، جامعه آماری که نمونه خود را از میان آن انتخاب کرده‌ایم، جوانان ۲۹-۱۵ سال شهرستان پاوه، یعنی متولدین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ هستند.

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری چندمرحله استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با استفاده از روش طبقه‌بندی متناسب از چهار شهر شهرستان پاوه (پاوه، نودشه، نوسود و باینگان)، تعداد نمونه‌ای را که باید از هر شهر انتخاب می‌شد، مشخص کردیم. در مرحله بعد برای انتخاب نمونه‌های پژوهش در شهر پاوه، به دلیل گستردگی محل سکونت، از تقسیمات پستی شهر استفاده شد و از ۳۲ منطقه مورد نظر ۱۲ منطقه انتخاب و در نهایت نمونه‌ها به صورت تصادفی از این ۱۲ منطقه انتخاب شدند، اما در مورد سه شهر دیگر از دفترچه تلفن استفاده کردیم و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک افراد مورد نظر برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق انتخاب شدند.

حجم نمونه: برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است، که رفیع پور از آن به عنوان فرمول پیچیده اما منطقی یاد می‌کند (رفیع پور، ۱۳۸۳: ۳۸۳). براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد کل جوانان شهرستان پاوه برابر با ۱۱۹۷۹ نفر است که در صورت استفاده از فرمول کوکران می‌باید ۳۸۷ نفر از آنها برای تحقیق انتخاب می‌شدند، اما از آنجایی که معمولاً در پژوهش‌ها به برخی از پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ داده نمی‌شود یا به دلیل عدم دقت پاسخگو، اطلاعات موجود در آنها قابل استفاده نیست، تصمیم گرفته شد که بیشتر از حجم نمونه برآورد شده، پرسشنامه توزیع شود و به جای ۳۸۷ نفر، ۴۱۰ نفر مورد پژوهش قرار بگیرند.

روش گردآوری داده‌ها: در این پژوهش داده‌ها از طریق پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری جمع‌آوری شد. به عبارت دیگر، بعد از آنکه مشخص شد از هر منطقه چه تعداد نمونه را باید انتخاب کرد و کدام خانواده‌ها باید به پرسشنامه پاسخ دهند، برای مصاحبه به درب منازل آنها مراجعه شد.

سطح تحلیل: سطح تحلیل پژوهش خرد است؛ زیرا متغیرهای آن به ویژگی‌های افراد مربوط می‌شوند. واحد تحلیل نیز فرد است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌بایست به پرسش‌ها و فرضیات تحقیق و نیز سطوح سنجش و تأثیرگذاری علی متغیرها توجه داشت. زیرا هر روش آماری داده‌هایی را در سطح معینی از اندازه‌گیری طلب می‌کند. دواس معتقد است که سه عامل بر نحوه تحلیل داده‌ها مؤثرند.

۱. تعداد متغیرهای تحقیق

۲. سطح سنجش متغیرها

۳. استفاده از داده‌ها برای مقاصد توصیفی یا استنباطی (۱۳۷۶: ۱۳۲).

در تحقیق حاضر برای توصیف متغیرها از جداول فراوانی، برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون‌های ضریب همبستگی وی کرامر، فی و دی سامرز و برای تحلیل چندمتغیری بین متغیرهای وابسته و مستقل از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

اعتبار و پایایی

اعتبار

برای سنجش اعتبار سوالات از اعتبار صوری^{۱۱} استفاده شد، به طوری که سوالات در نظر گرفته شده برای سنجش مفاهیم اصلی تحقیق به تعدادی از کارشناسان و متخصصان (حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و مخصوصاً آشنا به جامعه مورد مطالعه) داده شد تا درباره آنها داوری کنند. براساس نتایج ارزیابی متخصصان برخی از سوالات حذف و سوالات دارای اعتبار کافی به عنوان سوالات پرسشنامه انتخاب و "ساخت" داده شدند.

پایایی

برای محاسبه ضریب پایایی ابزار اندازه‌گیری، شیوه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک دارای نواقصی هستند، اما یکی از روش‌های معمول و متداول برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری، روش آلفای کرونباخ است.

دامنه ضریب پایایی بین صفر و یک است. صفر به منزله عدم ارتباط و یک، بیانگر ارتباط کامل گویه‌ها یا سوالات با همدیگر است. در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، تعداد ۴۰ نفر از پاسخگویان به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه تحقیق در میان آنان توزیع شد، با توجه به

پایایی به دست آمده برای گویه‌های مرتبط با رضایت از زندگی (۰/۷۴)، سرمایه اقتصادی (۰/۷۹)، سرمایه اجتماعی (۰/۷۱) و سرمایه فرهنگی (۰/۶۶)، می‌توان گفت گویه‌ها هم مسیر هستند و از هماهنگی و پایایی قابل قبولی برخوردارند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق دو دسته متغیر در نظر گرفته شده است، متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته. متغیرهای مستقل ما در این مقاله عبارت‌اند از سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی. متغیر وابسته نیز رضایت از زندگی است.

الف: متغیرهای مستقل

سرمایه اقتصادی: به طور کلی سرمایه اقتصادی به درآمد پولی و همچنین سایر منابع و دارایی‌های مالی گفته می‌شود و تصویر نهادینه‌اش حقوق مالکیت است. سرمایه اقتصادی به واسطه خصلت‌اش در دنیای امروز، به مثابه پول و اشیای مادی است که با تولید کالا و خدمات مبادله می‌شود (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۷). از دیر باز محققان مختلف برای این سرمایه ابعاد مختلفی ذکر کرده‌اند، اما به نظر پیر بورديو سرمایه اقتصادی مجموعه دارایی‌هایی است که قدرت اقتصادی را تعیین می‌کنند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴). در این پژوهش برای سرمایه اقتصادی دو بُعد در نظر گرفته‌ایم: بُعد اول شامل میزان درآمد می‌شود و معرف آن میزان درآمد خانواده به طور کلی است؛ بُعد دوم دارایی‌های مادی و وسایل رفاهی است که آن هم دارای معرف‌های زیر است: برخورداری از وسایل رفاهی، نگرش به وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، نوع و قیمت منزل مسکونی.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی دارای تعاریف متعددی است اما روی هم رفته باید گفت که "سرمایه اجتماعی منبعی برای تسهیل کنش جمعی تلقی می‌شود و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی (شناخت)، یعنی آگاهی‌هایی که موجب علاقمندی و دل‌نگرانی است، شامل اعتماد (اعتماد عمومی یا تعمیم یافته و اعتماد نهادی - مدنی)، هنجارها یا رفتارهای متقابل (همیاری) در درون شبکه‌های اجتماعی و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت است" (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). در این تعریف، سرمایه اجتماعی دو بُعد دارد که عبارت‌اند از ذهنی - شناختی و رفتاری - مشارکتی؛ معرف‌های بُعد ذهنی - شناختی عبارت‌اند از اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی یا اجتماعی؛ معرف‌های بُعد رفتاری - مشارکتی نیز عبارت‌اند از: مشارکت خیریه‌ای، مشارکت مذهبی و مشارکت همیارانه.

سرمایه فرهنگی: به طور کلی سرمایه فرهنگی عبارت است از شناختن و درک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن سلیقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب. بورديو سه شکل سرمایه فرهنگی را از هم

تمایز می‌کند: ۱. سرمایه فرهنگی تجسم یافته ۲. سرمایه فرهنگی عینیت یافته و ۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده. بر این اساس ما نیز در پژوهش حاضر این سه بُعد را به عنوان ابعاد سرمایه فرهنگی مورد سنجش قرار داده و سپس تأثیر آن بر میزان رضایت از زندگی و رابطه آن با سایر سرمایه‌ها را بررسی کرده‌ایم. بنابراین برای سنجش سرمایه فرهنگی تجسم یافته از معرف‌های مهارت در انواع هنرها و میزان وقت اختصاص یافته به فعالیت‌های فرهنگی گوناگون استفاده شده است. معرف سرمایه فرهنگی عینیت یافته، دارا بودن کالاهای فرهنگی و همچنین میزان محصولات فرهنگی فرد است. در نهایت معرف‌های سرمایه فرهنگی نهادینه شده نیز عبارت‌اند از میزان تحصیلات فرد، میزان تحصیلات پدر و میزان تحصیلات مادر.

ب: متغیر وابسته

رضایت از زندگی: همان طور که گفته شد، متغیر وابسته ما در این پژوهش رضایت از زندگی است. از این مفهوم نیز تعاریف متعددی به عمل آمده است. ما در این مقاله تعریف سوزا و لابومیرسکی را مورد استفاده قرار می‌دهیم، از نظر این دو محقق، رضایت یک نفر از زندگی دلالت دارد بر خرسندی او یا پذیرش اوضاع و احوال زندگی اش یا به طور کلی تحقق خواسته‌ها و نیاز-هایش. به عبارت دیگر، رضایت از زندگی اساساً نتیجه ارزیابی فرد از کیفیت زندگی خویش است (سوزا و لابومیرسکی، ۲۰۰۱: ۳). علاوه بر این برای سنجش رضایت جوانان از زندگی از یک مقیاس گزارش شخصی چند گویه‌ای استفاده کرده‌ایم. یکی از معتبرترین و کاربردی‌ترین این مقیاس‌ها در سال ۱۹۸۵ سوزا و لابومیرسکی ساختند. این مقیاس ۵ گویه است و در آن از گویه‌های کلی و غیرتخصصی استفاده شده است و از آن تحت عنوان SWLS^۱ یاد می‌کنند. بنابراین، در تحقیق حاضر برای سنجش میزان رضایت جوانان شهرستان پاره از زندگی از این مقیاس استفاده کرده‌ایم (البته در آن اندک تغییراتی داده شده است، بدین صورت که گویه‌های دوم و پنجم آن تغییر داده شدند).

یافته‌های پژوهش

الف: توصیف متغیرهای مستقل

نتایج توصیفی این تحقیق نشان می‌دهد که ۴۲/۹ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اقتصادی در حد کم، ۲۶/۱ درصد دارای سرمایه اقتصادی در حد متوسط و ۳۱ درصد نیز دارای سرمایه اقتصادی در حد زیاد هستند. علاوه بر این، میانگین سرمایه اقتصادی در میان جوانان شهرستان پاره ۱۳/۲۹ است که در قسمت متوسط قرار می‌گیرد. میانه پاسخ‌ها نیز عدد ۱۳ است، یعنی نیمی از نمره سرمایه اقتصادی جوانان کمتر از ۱۳ و نیمی دیگر بیش از ۱۳ است. بیشترین فراوانی نمره سرمایه اقتصادی

جوانان نیز عدد ۱۶ بوده است. علاوه بر این، نتایج مربوط به سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که ۲۴/۱ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی در حد کم، ۲۲/۴ درصد دارای سرمایه اجتماعی در حد متوسط و ۵۳/۴ درصد نیز دارای سرمایه اجتماعی در حد زیاد هستند. میانگین سرمایه اجتماعی در میان جوانان شهرستان پاوه نیز ۶/۶ است که در قسمت زیاد قرار می‌گیرد. میانۀ پاسخ‌ها نیز عدد ۷ است، یعنی نیمی از نمره سرمایه اجتماعی جوانان کمتر از ۷ و نیمی دیگر بیش از ۷ است. بیشترین فراوانی نمره سرمایه اجتماعی جوانان نیز عدد ۷ بوده است. در نهایت اینکه ۳۸/۵ درصد از پاسخگویان دارای سرمایه فرهنگی در حد کم، ۴۹/۳ درصد از دارای سرمایه فرهنگی در حد متوسط و ۱۲/۲ درصد از نیز دارای سرمایه فرهنگی در حد زیاد هستند. همچنین میانگین سرمایه فرهنگی در میان جوانان شهرستان پاوه ۸/۱ است که در قسمت متوسط قرار می‌گیرد. میانۀ پاسخ‌ها نیز عدد ۸ است، یعنی نیمی از نمره سرمایه فرهنگی جوانان کمتر از ۸ و نیمی دیگر بیش از ۸ عدد است. بیشترین فراوانی نمره سرمایه فرهنگی جوانان نیز عدد ۸ بوده است.

ب: توصیف متغیر وابسته

داده‌های مربوط به متغیر وابسته نشان می‌دهد که میزان رضایت از زندگی ۲۰/۲ درصد پاسخگویان در حد کم، ۳۲/۷ درصد در حد متوسط و ۴۷/۱ درصد در حد زیاد است. علاوه بر این میانگین رضایت از زندگی در میان جوانان شهرستان پاوه ۱۵/۹ است که در قسمت متوسط قرار می‌گیرد و میانۀ پاسخ‌ها نیز عدد ۱۶ است، یعنی نمره نیمی از جوانان این شهرستان پایین‌تر از عدد ۱۶ و نمره نیم دیگر بیش از عدد ۱۶ است. بیشترین فراوانی نمره رضایت از زندگی نیز عدد ۱۶ است.

آزمون فرضیه‌ها و تعیین روابط بین متغیرها

فرضیات این تحقیق با استفاده از آزمون ضریب همبستگی دی سامرز مورد تحلیل قرار گرفتند. سه فرضیه تحقیق که به رابطه بین سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رضایت از زندگی مربوط بودند در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شدند. از سه فرضیه‌ای که به رابطه متقابل اشکال مختلف سرمایه اشاره داشتند، فرضیه مربوط به رابطه بین سرمایه اقتصادی و فرهنگی و فرضیه مربوط به رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید و فرضیه مربوط به رابطه بین سرمایه اقتصادی و اجتماعی رد شد. در نهایت، فرضیه مربوط به تأثیر بیشتر سرمایه فرهنگی نسبت به سایر سرمایه‌ها در تبیین رضایت از زندگی نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد (جدول ۲) و (جدول ۳).

جدول ۱: آزمون فرضیات پژوهش

نوع ارتباط	سطح معناداری	ضریب همبستگی	فرضیه
مثبت	۰/۹۹	۰/۲۴۳	ارتباط سرمایه اقتصادی با رضایت از زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۶۱	ارتباط سرمایه اجتماعی با رضایت از زندگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۲۷۵	ارتباط سرمایه فرهنگی با رضایت از زندگی
--	--	۰/۰۸۹	ارتباط سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی
مثبت	۰/۹۹	۰/۴۸	ارتباط سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی
مثبت	۰/۹۹	۰/۱۸	ارتباط سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

برای بررسی فرضیه چهارم نیز می‌بایست از ضریب همبستگی جزئی استفاده می‌کردیم. در این ضریب ضمن محاسبه شدت رابطه بین دو متغیر، اثر متغیرهای مستقل دیگر نیز کنترل می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۲۱۱). نتیجه این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون فرضیات پژوهش

متغیرهای کنترل	متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی جزئی	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	رضایت از زندگی	۰/۱۲۱	۰/۹۹
سرمایه اقتصادی	سرمایه اقتصادی	رضایت از زندگی	۰/۱۴۸	۰/۹۵
سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	رضایت از زندگی	۰/۱۸۲	۰/۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۲ درباره فرضیه فوق باید گفت که در میان جوانان شهرستان پاوه، سرمایه فرهنگی (۰/۱۸۳) بیشترین تأثیر را بر رضایت از زندگی دارد و سرمایه‌های اقتصادی (۰/۱۴۸) و اجتماعی (۰/۱۲۱) پس از آن قرار می‌گیرند. بنابراین باید گفت که این فرضیه پذیرفته می‌شود.

رگرسیون چند متغیره

در این تحقیق برای تحلیل متغیرهای مستقل و وابسته، از رگرسیون چندمتغیری به روش گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب وارد معادله می‌شوند با این تفاوت که هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که قبلاً وارد شده‌اند مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر سطح معناداری‌شان کاهش یافت از مدل خارج خواهد شد، در غیر این صورت باقی می‌مانند (کرلینجر، ۱۳۸۴: ۳۹۶).

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی

روش ورود متغیرها: گام به گام	Method; Stepwise
ضریب همبستگی چندگانه	$R = 0.331$
ضریب تعیین	$R^2 = 0.11$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$R^2_{adj} = 0.103$
خطای معیار	$S.E = 3.11$
تحلیل واریانس	$ANOVA = 16.69$
سطح معناداری	$Sig = 0.000$

جدول ۵: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی

Sig	t	S.E	Beta	b	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۸۵/۳۸۳	۰/۱۵۴	--	۱۳/۱۲۲	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۳/۷۵۱	۰/۱۷۰	۰/۱۹۴	۰/۶۳۷	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۳	۳/۰۱۹	۰/۱۶۸	۰/۱۵۵	۰/۵۰۸	سرمایه اقتصادی
۰/۰۱۴	۲/۴۵۹	۰/۱۵۶	۰/۱۱۷	۰/۳۸۴	سرمایه اجتماعی

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول نشان می‌دهد متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده‌اند، به طور همزمان با متغیر وابسته ۰/۳۳ همبستگی دارند. علاوه بر این، این متغیرها می‌توانند تنها ۰/۱۱ از رضایت جوانان از زندگی را تبیین کنند. جدول ۴ ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی را نیز نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول می‌توان گفت، ضریب رگرسیون شاخص سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۶۳۷، ضریب رگرسیون شاخص سرمایه اقتصادی برابر با ۰/۵۰۸ و ضریب رگرسیون شاخص سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۳۸۴ است. علاوه بر این، بتای شاخص سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۱۹۴، بتای شاخص سرمایه اقتصادی ۰/۱۵۵ و بتای شاخص سرمایه اجتماعی نیز برابر با ۰/۱۱۷ است. نکته که در اینجا باید ذکر کرد این است که هر سه متغیر مستقلی که وارد معادله رگرسیون کرده‌ایم، همگی در معادله باقی مانده‌اند و تأثیر معناداری بر رضایت از زندگی داشته‌اند ($Sig < 0.05$).

با توجه به نتایج حاصل می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد را چنین نوشت:

*معادله رگرسیون استاندارد:

رضایت از زندگی = $(0.194) \text{ (سرمایه فرهنگی)} + (0.155) \text{ (سرمایه اقتصادی)} + (0.117) \text{ (سرمایه اجتماعی)}$

ارقام مندرج در معادله فوق به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد سرمایه فرهنگی، میزان رضایت جوانان از زندگی به اندازه ۰/۱۹۴ نمره استاندارد، با افزایش یک واحد انحراف استاندارد سرمایه اقتصادی رضایت جوانان از زندگی به اندازه ۰/۱۵۵ نمره استاندارد و با افزایش یک واحد انحراف استاندارد سرمایه اجتماعی رضایت جوانان از زندگی به اندازه ۰/۱۱۷ نمره استاندارد افزایش می‌یابد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در جهان معاصر مناسبات بازار به همه عرصه‌های زندگی نفوذ کرده است. آنچه هسته اصلی بازار را تشکیل می‌دهد، سرمایه است. مفهوم سرمایه یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر به شمار می‌آید. این مفهوم را می‌توان در آثار مارکس ردیابی کرد. در نظر مارکس، موقعیت اجتماعی فرد را بیش از همه میزان سرمایه‌ای که در اختیار دارد تعیین کند. منظور مارکس از سرمایه، سرمایه اقتصادی بود. در افکار اقتصادی، مفهوم سرمایه در ابتدا به معنای انباشت مقدار پولی بود که به امید بازدهی سود آوری در آینده سرمایه‌گذاری می‌شد. اما از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمد و سرمایه‌های جدیدی مطرح شد. بنابراین نظریه-پردازان سرمایه در جهان معاصر به جای آنکه صرفاً به سرمایه اقتصادی توجه نشان دهند، سایر سرمایه‌ها را نیز مدنظر دارند. یکی از این نظریه‌پردازان پیر بوردیو است. وی معتقد است که در سلسله مراتب اجتماعی جهان معاصر جایگاه فرد را ترکیب و حجم سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌کنند. به اعتقاد وی، فردی که بهره زیادی از هر سه سرمایه دارد، در سلسله مراتب اجتماعی در جایگاه بالاتر و فردی که از هر سه سرمایه بهره کمتری دارد در سلسله مراتب اجتماعی در جایگاه پایین‌تری قرار می‌گیرد. بوردیو در مورد رابطه بین سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رضایت از زندگی چیزی نگفته است، اما می‌توان تلویحاً چنین نتیجه‌ای از نظرات وی استنباط کرد. در واقع هدف اصلی ما در این مقاله نیز بررسی این گزاره تلویحی موجود در آثار بوردیو است که: داشتن هر سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به معنای داشتن رضایت از زندگی است. بنابراین هدف ما از سویی توصیف میزان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میزان رضایت از زندگی در میان جوانان شهرستان پاره و از سوی دیگر بررسی میزان تأثیر هر یک از این سرمایه‌ها بر رضایت از زندگی، مجموع تأثیرات آنها و تعیین مهم‌ترین آنها در تبیین رضایت از زندگی بود.

روی هم رفته براساس بررسی داده‌های که در این تحقیق به دست آمد می‌توان نتایج زیر را بیان

کرد:

اول: میانگین سرمایه اجتماعی جوانان شهرستان پاوه در حد بالا و میانگین سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و میزان رضایت آنها از زندگی در حد متوسط است.

دوم: از هفت فرضیه مورد نظر ما که سه فرضیه به رابطه بین اشکال سرمایه با رضایت از زندگی، سه فرضیه به رابطه بین اشکال مختلف سرمایه با هم و یک فرضیه نیز به تأثیر بیشتر سرمایه فرهنگی نسبت به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر رضایت از زندگی مربوط بود، شش فرضیه تأیید شد و تنها فرضیه مربوط به رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی رد شد.

در نهایت با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره و روش گام به گام، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحلیل شد. این مدل به لحاظ آماری معنادار بود و ۱۱/۰ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی را تبیین می‌کرد. این مدل نشان داد که از میان متغیرهای مورد نظر ما، سرمایه فرهنگی بیشتر از همه تبیین کننده رضایت از زندگی است و سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بعد از آن قرار می‌گیرند. علاوه بر این، اطلاعات این مدل نشان داد که میان سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی رابطه وجود دارد، اما بین سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

بنابراین روی هم رفته باید گفت که در جامعه مورد مطالعه ما هنوز اهمیت سرمایه آن چنان که باید و شاید در رضایت جوانان از زندگی نقش تعیین کننده‌ای ندارد و نمی‌توان از نظریه بورديو برای تبیین رضایت از زندگی استفاده کرد. علاوه بر این، توسعه نیافتگی اقتصادی جامعه مورد مطالعه شرایطی ایجاد کرده که باعث شده است تنها راه تحرک صعودی کسب سرمایه فرهنگی باشد، در نتیجه، سرمایه فرهنگی بیش از سرمایه‌های دیگر رضایت از زندگی را تبیین می‌کند، دلیل آن در واقع این است که قابلیت تبدیل سرمایه فرهنگی به سایر سرمایه‌ها بیشتر است. در واقع این بخش از نظریه بورديو که معتقد است در جهان معاصر اهمیت سرمایه فرهنگی در زندگی افراد بیش از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است، در جامعه مورد مطالعه ما نیز صادق بوده است.

منابع فارسی

- اباذری، ی. و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۳-۲۷.
- اسلیتر، د. و تونکیس، ف. (۱۳۸۶). جامعه بازار، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- اکبری، ا. (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- اوق، ن. م. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی و رفاه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارت کویر.
- برزگرمروستی، ف. (۱۳۸۶). سنجش میزان احساس خوشبختی شهروندان تهرانی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء.
- بوردیو، پ. (۱۳۸۴). شکل های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران، نشر نی.
- ذکائی، م. س. (۱۳۸۶). جامعه شناسی جوانان ایرانی، تهران، انتشارات آگه.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۳). کندوکاوها و پنداشته ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۲). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی فرهنگی، جلد اول.
- شارع پور، م. و خوش فر، غ. ر. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- غفاری، م. و قاسمی، ع. ا. (۱۳۸۵). خاستگاه جنبش جوانان در ایران، مجله علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۱، صص ۶۹-۸۷.
- فیروزآبادی، س. ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فیلد، ج. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- کرلینجر، پ. (۱۳۸۴). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سزایی، تهران، انتشارات سمت.
- گزارش ملی جوانان (تلفیق ۱۳۷۵-۱۳۸۱)، تهران، سازمان ملی جوانان.
- ماجدی، س. م. و لهسایی زاده، ع. ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، فصلنامه علمی- پژوهشی روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴.

- محسنی، م. و صالحی، پ. (۱۳۸۲). رضایت اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات آرون.
- معیدفر، س. و ذهنانی، ق. ع. (۱۳۸۴). بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی معلمان شهر نیشابور)، مجله جامعه‌شناسی/ایران، سال ششم، شماره اول، صص ۱۳۵-۱۵۰.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- هرندی، ف. و محسن‌خانی، ز. (۱۳۸۶). اشتغال جوانان و چالش‌های آن، مجله رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۱۳۳-۱۴۶.

منابع انگلیسی

- Anheier, H & Gerhards, J & Romo. F. (1995). Forms of capital and Social Structure in Cultural Fields, American Journal of Sociology.
- Bourdieu, P., & Passeron, J.-C. (1979) the Inheritors: French Students and their Relations to Culture. University of Chicago Press, Chicago.
- Halpern, D. (2005). Social Capital, London Press.
- Lin, N. (1999). Building a Network Theory of Social Capital, p.p 131-45, in Social Structure and Network Analysis, P.V, M-a rsenden and N Lin (eds), Beverly Hill, Ca: SAGE.
- Sousa, L., & Lyubomirsky, S. (2001). Life satisfaction. In J. Wore (Ed.), Encyclopedia of women and gender: Sex similarities and differences and the impact of society on gender (Vol. 2, pp. 667-676). . San Diego, CA: I
- Storberg, J. (2002). The Evolution of Capital Theory: A Critque of a Theory of Social Capital and Implications for HRD, Human Resource Development Review; 1; 468.
- Wang, S., Davis, D. & Bian. Y. (2006). The Uneven Distribution of Cultural Capital: Book Reading in Urban China, Modern China, V. 32; N.3; 315-348.
- Whiteford, H. (2000). Human Capital, Social capital and Mental Health (WFMH: Third Quarter New Fetter 2000) Copy Right 1998-2000, World Fedration for Mental Health.
- Winter, I. (2000). Toward a Theorized Understand of Family Life and Social Capital, Australian Institute of family Studies, Working Paper, No 21, Sited in: WWW.aifs.org.au